

نقش روش‌های ارتباطی و ساختار محور در کتاب چهارم مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی

محمدحسین طالعی^۱
مجتبی ابراهیمی^۲

چکیده

روش ارائه محتوا نقش مهمی را در موفقیت نظام آموزشی ایفا می‌کند. معمولاً به دست آوردن نتیجه مطلوب در کمترین زمان و با بهینه‌ترین هزینه و با بهترین روش، سه شاخصه منطقی آموزشگاه‌های زبان برای آموزش زبان است. استفاده از روش‌های آموزشی پیشرفته در دنیا یکی از نکات مهمی است که هر روند آموزشی را می‌تواند در زمان و کیفیت سرعت ببخشد؛ البته لازمه این امر تدوین متون و محتواهای آموزشی متناسب با ساختار اجرایی این روش‌هاست. در این مقاله بر آنیم که روش آموزشی کتاب چهارم مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی جامعه المصطفی (ص) قم و تطبیق آن با روش‌های قدیمی و جدید را بررسی کنیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که محتوای روش تدریس این کتاب از جهت اصول روشی، با شیوه‌های پیشرفته آموزشی که رویکردی ارتباطی دارند هم‌خوانی نداشته و بیشتر براساس اصول و فنون روش‌های قدیمی‌تر مانند دستور ترجمه نگاشته و تدریس می‌شود. در تدریس براساس این روش، درصدی از نتیجه به تقویت مهارت خواندن می‌انجامد و پیشرفت خاصی در مهارت‌های سه گانه دیگر دیده نمی‌شود. البته تقویت در سه مهارت دیگر بیشتر به وسیله حضور زبان آموز در محیط و همچنین تمرین روزانه در کلاس‌های شفاهی صورت می‌گیرد، ولی به هر حال این جبران کاستی به وسیله محتوایی غیر از کتاب آموزشی صورت می‌پذیرد و نقص کتاب آموزشی را جبران نمی‌کند.

کلید واژه‌ها:

آموزش زبان، اصول و فنون، روش‌های ارتباطی، ارتباط.

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس زبان فارسی مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی المصطفی. نویسنده مسئول؛ ایمیل: mohammadhoseintalei@gmail.com

۲. دکترای الهیات، مدرس مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۵

مقدمه

امروزه یکی از برنامه‌های مهم در نظام آموزشی کشور، آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان است و مراکز متعددی مانند این امر را به عهده دارند. یکی از مسائل مهم برای همه مراکز آموزشی، تولید بسته‌های آموزشی و ارائه محتوای مکتوب آموزشی بدون اشکال و ایراد است تا در کمترین زمان و با کمترین هزینه، زبان آموز را به مقصود خود که همان آموختن زبان است برسانند. مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی وابسته به جامعه المصطفی (ص) در قم نزدیک به سه دهه است که زبان فارسی را در یک بازه زمانی تقریباً شش ماهه به علاقه‌مندان و داوطلبان غیر ایرانی که برای تحصیل علوم دینی به ایران می‌آیند، آموزش می‌دهد. زبان آموزان در این دوره، شش کتاب را در سه سطح مقدماتی، میانی و پیشرفته آموزش می‌بینند که هر کتاب حدود یک ماه و هر سطح نزدیک به دو ماه زمان می‌برد. در این دوره شش ماهه کلاسها در چهار ساعت برگزار می‌شود که دو ساعت به کتاب کتبی و دو ساعت به کلاس شفاهی (انشاء، املا، گفتگو، کتاب دستور، آزمایشگاه) اختصاص داده شده است. قطعاً کتابهای این مرکز خوبی‌ها و مزیت‌های فراوانی دارند؛ اما از آنجا که مدت زیادی است که در این کتاب‌ها بازنگری صورت نگرفته و از طرفی روش‌های نوین آموزشی ارائه گردیده است، طبعاً بازنگری محتوای این کتابها ضروری به نظر می‌رسد.

شیوه‌ها و معیارهای تنظیم محتوا بسیار اهمیت دارند؛ زیرا «آموزش، فرایندی جهت دار و حساب شده است و نمی‌توان از هر محتوایی استفاده کرد و نمی‌شود آن را در هر قالبی که بخواهیم ارائه دهیم. محتوا باید سازماندهی و با مناسب‌ترین شیوه گردآوری و با مناسب‌ترین روش تدریس شود تا اهداف مد نظر ما محقق گردد. وقتی محتوا انتخاب شد، درمی‌یابیم که چه باید تدریس شود» (حبیبی و وکیلی فرد: ۱۳۹۷).

رویکردها و روش‌های مختلفی برای آموزش و تدوین متون آموزش زبان وجود دارد. چگونگی ساختارها و محتوای متون و مواد به کار رفته در این محتوا در

امر آموزش بسیار حائز اهمیت است. کتابهای درسی یکی از ابزارهای مهم در امر آموزش زبان فارسی هستند. متون آموزشی، منبع رجوع زبان آموزان برای یادگیری به شمار می‌روند (همان) که لازمه آنها بررسی و تطبیق محتوای این کتابها و امکان آموزش آنها براساس روش‌های پیشرفته است. نویسندگان زیادی به معرفی روش‌های مختلف تدریس همراه با سیر تکاملی آنها پرداخته‌اند. دایان لارسن - فریمن یکی از این نویسندگان است که یکی از اهداف خود را از تدوین کتابش، آشنایی با روش‌های گوناگون تدریس و همچنین فنون جدید تدریس که ممکن است مدرسین آشنایی کامل با آنها نداشته باشند، ذکر می‌کند. (لارسن: ۱۳۸۴).

در ادامه به بررسی روش تدریس کتاب چهارم مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی از جهت همخوانی محتوای آموزشی و شیوه ارائه آنها بر اساس روش‌ها با رویکردهای نوین (ارتباطی) و دستوری می‌پردازیم.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره بررسی کتابهای مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی جامعه المصطفی نوشته‌هایی وجود دارد. به عنوان نمونه در حیطه نقد، رئیسی و محمدی فشارکی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به این امر اهتمام کرده و کتابهای آموزشی این مرکز را که در آن زمان مجموعه‌ای هشت جلدی بوده نقد کرده‌اند. هدف آن مقاله توصیف و نقد دستوری این مجموعه آموزشی است و آن پژوهش پس از معرفی جامعه المصطفی العالمیه، به اهمیت شیوه‌های دستورآموزی به غیر فارسی زبانان می‌پردازد و در کنار معرفی مباحث دستوری لازم برای فارسی آموزان، کتابهای هشت جلدی آموزش فارسی به فارسی را از لحاظ دستوری توصیف می‌کند. سپس مشکلات دستوری این کتاب‌ها را در ده بخش جداگانه با ارائه نمونه بررسی می‌نماید. مقاله با ارائه راهکارهایی برای بهبود مباحث دستوری این مجموعه آموزشی و نیز سایر کتابهای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، پایان می‌یابد.

همچنین ابراهیمی و طالعی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای کتاب سوم این مجموعه را بخصوص از جهت شیوه ارائه مطالب جدید، طرح سوالات درک مطلب، توضیح

واژگان و مباحث دستوری مورد بررسی قرار داده‌اند. صحرایی (۱۳۹۴) نیز به بررسی الگوی آموزشی زبان فارسی (و تمهیدیه) در مدرسه المهدی پرداخته است. ایشان در بخش اعظمی از این مقاله به میزان درصد استفاده از الگوهای پیشرفته تدریس، در دوره زبان فارسی و تمهیدیه المهدی پرداخته و الگوی تلفیق آموزش سنتی و نوین زبان را در این مدرسه، به عنوان یک نقطه قوت معرفی می‌کند؛ اما نوشته‌ای که به بررسی محتوای آموزشی این مراکز براساس روش‌های نوین ارتباطی و دستور ترجمه پرداخته باشد پس از تحقیق و بررسی نگارندگان در پایگاه‌های اطلاعاتی یافت نشد.

معرفی کتاب

کتاب چهارم مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، بیست درس دارد. هر کدام از درسها با موضوع خاص و با یک متن مرتبط با موضوع شروع می‌شوند. درصفحات بعدی ابتدا سؤالهایی از متن درس و سپس واژه‌های جدید درس همراه با توضیح معنای آنها بیان شده و در پایان هم با ارائه نکات دستوری به پایان می‌رسد. محتوای درس‌ها با موضوعات متنوع اخلاقی، شگفتی‌های خلقت و ... ارائه شده‌اند. علاوه بر کتاب آموزشی، کتاب کار نیز برای آن در نظر گرفته شده است. در کتاب کار به ارائه تمریناتی از قبیل سؤالات درک مطلب، جمله سازی با واژگان جدید، واژگان مخالف و ... جهت ارزیابی درس پرداخته‌اند که به شکلهای گوناگون مانند زیر طراحی شده است:

* پرسش مناسب بنویسید * پاسخ دهید * هم معنی و هم خانواده واژگان * واژه سازی * جمله سازی * جایگزین کنید * مرتب کنید، (در برخی از دروس) *

روش‌های تدریس کتاب

روش‌های معمول ارائه شده در مدرسه المهدی برای تدریس اساتید در این کتاب به شرح زیر است:

• تدریس متن:

۱) بعد از ارزیابی و ایجاد انگیزه در فراگیران، مدرس زبان، تمام درس را می‌خواند و بعد از قرائت، دوباره متن را جمله به جمله می‌خواند و در صورت نیاز، واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات و جمله‌ها را توضیح و شرح می‌دهد.

۲) مدرس، ابتدا یک یا چند بند (پاراگراف) از درس را می‌خواند و دوباره جمله به جمله خوانده و واژه‌ها و اصطلاحات آن را توضیح می‌دهد؛ سپس بند دیگری را می‌خواند و توضیح می‌دهد تا درس به پایان برسد.

۳) معلم زبان آموزی، متن را خوانده سپس از فراگیران می‌خواهد که هر کدام، بخشی از متن را بخوانند و خود معلم واژه‌ها و جمله‌ها را در صورت نیاز شرح می‌دهد.

• **واژه‌آموزی:** در این بخش واژه‌های جدید درس در بعضی موارد معنی و با هر کدام از آنها جمله‌سازی شده که مدرس از فراگیران می‌خواهد هر کدام یک یا دو واژه و جمله‌های مربوط به آن را بخوانند. با خواندن این بخش، فراگیران در جمله‌سازی و قرائت تقویت می‌شوند. در صورت لزوم مدرس باید به مقدار کافی شرح و توضیح بدهد.

• **نکات دستوری:** این بخش برای توضیح و شرح نکات دستوری است و مدرس درس به یکی از این دو روش تدریس می‌کند:

الف: با استفاده از تابلو و امکانات موجود، نکته دستوری را توضیح می‌دهد و پس از تفهیم، متن را می‌خواند و رفع ابهام می‌کند.

ب: مدرس این بخش را از روی کتاب می‌خواند و شرح می‌دهد.

رویکردها و روش‌های قدیمی‌تر آموزش زبان

اگر چه کتاب درسی به عنوان اصلی‌ترین منبع و مؤثرترین مرجع علمی آموزشی است (حسن مرادی، ۱۳۹۵: ۵۹) اما بهترین کتابها با نظر به شیوه تدریس آنها نتایج متفاوتی را به دنبال دارند. «تدریس فرایندی است که طی آن یاد دهنده براساس روش‌ها و اسلوب‌های خاصی، فراگیران را درگیر یادگیری می‌کند». (خنیفر، ۱۳۸۵، ۸۸) امروزه روش‌های آموزش زبان از حالت روش به فراروش تبدیل گردیده‌اند به گونه‌ای که روش‌های نوین از تمام خوبی‌های روش‌های گذشته استفاده کرده و کاستی‌های آنها کنار گذاشته شده است و در برخی از موارد سرعت آموزش زبان را دو چندان کرده و جامعیت آموزش مهارت‌ها و کاستن هزینه‌های آموزشی را به دنبال داشته است.

کتابهای گوناگونی سیر تاریخی و شیوه‌های اجرایی این روش‌ها را به نگارش درآورده‌اند. در این کتابها پیشینه تاریخی روش‌ها و رویکرد آنها براساس قدمت و سیر تکاملی آنها همراه با اصول و اهداف روش‌ها ذکر شده است. روش دستور

ترجمه، روش مستقیم، شنیداری - گفتاری، صامت، تلقین زدایی، یادگیری جمعی زبان و روش فیزیکی از اولین روش‌هایی است که به صورت ساختار محور مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

روش‌های نوین آموزش زبان با رویکرد ارتباط

آموزش زبان بر پایه چهار محور شنیدن، خواندن، گفتن و نوشتن بنا نهاده شده است هر کدام از این مهارت‌ها فرایندی دارند و محتوای آموزشی باید به گونه‌ای نگاشته و تدریس شود که نتیجه آن کسب یکی از مهارت‌های چهارگانه باشد. خواندن، قدرت درک مطلب به وسیله دیدن و از زیر مجموعه‌های آن صحیح خوانی یا همان قرائت است. شنیدن، درک مطلب متکلم می‌باشد. گفتن، توانایی انتقال مقصود به دیگران از طریق صحبت کردن، و نوشتن، توانایی استفاده غیر کلامی از کلمات به منظور ارتباط با دیگران یا اغراض دیگر است که از زیر مجموعه‌های آن درست نویسی است.

همان طور که مشخص است هدف غالب این مهارت‌ها در جهت توانایی ایجاد ارتباط با زبان دوم است. امروزه و در روش‌های نوین، طراحی محتوای آموزشی به گونه‌ای است که از یک محتوا انتظار می‌رود که در همه مهارت‌های چهارگانه پیشرفت ایجاد کند. روش‌های نوین (تکلیف محور، محتوا محور و ...) که با رویکرد ارتباط به کار گرفته شده‌اند از این قبیل موارد هستند.

لارسن که یکی از بررسی کنندگان روش‌های مختلف آموزش و سیر تاریخی آنهاست، در کتاب اصول و فنون آموزش زبان بعد از شمارش و تبیین روش‌هایی که در گذشته برای آموزش زبان استفاده می‌شد به تبیین روش‌های نوین آموزش زبان می‌پردازد. ایشان به وجود یک اشکال مهم در روش‌های قبل اشاره می‌کند و می‌گوید: «شما ممکن است متوجه شده باشید که هدف بیشتر روش‌هایی که تا کنون از نظر گذرانیدیم این است که زبان آموزان برقراری ارتباط به زبان مقصد را بیاموزند. هر چند که در دهه ۱۹۷۰ معلمان در باره صحت مسیری که برای رسیدن به این هدف پیش گرفته‌اند دچار تردید شدند. بعضی‌ها مشاهده کردند که در کلاس زبان آموزان می‌توانند به درستی جمله بسازند؛ ولی نمی‌توانند در هنگام حرف زدن واقعی در خارج کلاس درس از آن جملات استفاده کنند؛ ممکن است زبان آموزان قوانین زبانی را بدانند؛ ولی قادر به

استفاده از زبان نباشند ... خلاصه اینکه توانایی ارتباط برقرار کردن مستلزم داشتن چیزی بیش از توانش زبانی است. این امر به داشتن توانش ارتباطی نیاز دارد؛ یعنی بدانیم چه وقت، چگونه چیزی را به چه کسی بگوییم. چنین مشاهداتی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به تغییر زمینه فعالیت از رویکرد ساختار محوری به رویکرد ارتباطی انجامید» (لارسن: ۱۳۸۴، ۱۱۸).

ایشان در ادامه، به تبیین روش‌های نوین با رویکرد ارتباط محور می‌پردازد. (همان). «امروزه بیشتر تجدید نظرها در تجربه‌های یادگیری زبان دوم به روش‌هایی با رویکرد ارتباطی مربوط می‌شود» (ابراهیمیان، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

روش‌های ارتباط محور

یک روش آموزش زبان روش مصنوعی است که از جملات کم بسامد و غیر واقعی استفاده می‌شود؛ مثلاً برای آموزش اسم اشیاء دائماً این سوال تکرار می‌شود این چیست. در حالی که همه می‌دانند این چیست و باید سؤال شود اسم این چیست و یا برای آموزش نام آن شیء از متن استفاده شود. یا در روش مصنوعی از مکالماتی استفاده می‌شود که هرگز در گفت‌وگوهای واقعی از آنها استفاده نمی‌کنیم یا کم استفاده می‌کنیم. «روش‌های ارتباطی در واقع واکنش ضد روش‌های مصنوعی آموزش زبان دوم است؛ در این روش‌ها، تمرکز بر روی زبان و به عنوان وسیله ارتباط و هدفی اجتماعی صورت می‌گیرد؛ بیشترین تمرکز بر شاگرد بوده زیرا تاکیدش بر نیازها و علاقه آنها است». (ناعمی: ۱۳۸۵: ۳۰) در این روش‌ها توانایی برقراری ارتباط، محور اصلی است. در رویکردهای ارتباطی آموزش از کل به جزء است و این مطلبی است که اساس کار روش‌های نوین قرار گرفته است.

یکی از جنبه‌های سبکی مؤثر در یادگیری زبان خارجی، گونه شخصیتی زبان آموز است. زبان آموزان به لحاظ عاطفی باهم تفاوت دارند و این در خمیره شخصیت آنها ریشه دارد که ذاتی و یا اکتسابی است. (ضیاء حسینی، ۱۳۸۵: ۲۷) یکی از اینها گونه کلی‌گرایی - جزئی‌گرایی است. «برخی از زبان آموزان میلند که مطالب درسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند، نقش هر واژه در جمله مشخص شود، اجزای سازنده واژه معرفی شود، نقش هر جمله در متن نمایان شود. اینگونه زبان آموزان جزئی‌گرا و یا تجزیه و تحلیل‌گرا هستند. کلی‌گرایان

به تجزیه و تحلیل ساختارهای زبان اهمیت نمی‌دهند بیشتر به دنبال پیام آنها هستند؛ معنای واژه را از ساختار جمله بافت و متن حدس می‌زنند» (ضیاء حسینی، ۱۳۸۵: ۲۹).

برخی از آموزش دهندگان زبان مانند لارسن عقیده دارند که مطلوب‌ترین شیوه یادگیری زبان آموزان نه هنگام یادگیری زبان به صورت جزء به جزء است؛ بلکه زمانی است که آنها بر روی درک معانی کل متون کار می‌کنند. به بیان دیگر زبان آموزان قبل از اینکه بر روی اشکال دستور کار کنند به صورت دریافت‌های ذهنی کار کرده و در ابتدا تلاش می‌کنند که معنای کلی متن را دریابند و این دیدگاه در مقابل دیدگاه -انتقال معانی به ذهن- که در سایر روش‌های این متن مشاهده کردیم قرار دارد. در روش انتقال معانی به ذهن، زبان آموزان، زبان را جزء به جزء یاد می‌گیرند، سپس نحوه قرار دادن این اجزاء را در جای مناسب تمرین می‌کنند و بدین ترتیب معنای کل متن را با قرار دادن این اجزاء در کنار یکدیگر می‌سازند (لارسن، ۱۳۸۵: ۱۱۸). روش‌های ارتباطی به نوعی انتقال مطالب از کل به جزء هستند؛ لذا شیوه تدریس و ارائه مطالب بر اساس این روش‌ها باید به همین گونه باشد.

اصول روش‌های ارتباطی

از اصول اساسی روش‌های ارتباطی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- معلم تسهیل کننده برقراری ارتباط در کلاس است. ایجاد موقعیت‌هایی که ارتباط را افزایش دهد از مسوولیت‌های مهم استاد است. در طول فعالیت‌ها نیز او به عنوان مشاور عمل می‌کند و یا اینکه همکار ارتباطی زبان آموزان است و از طرفی زبان آموزان خود مسئول برقراری ارتباط هستند.
- هرکاری که انجام می‌گیرد با هدف ارتباط است که زبان آموزان با انجام کارهایی از طریق فعالیت‌های ارتباطی مثل بازی‌ها و اجرای نقش حل مسائل، به میزان زیادی زبان را به کار می‌گیرند. فعالیت‌هایی حقیقتاً ارتباطی هستند که سه مشخصه داشته باشند: فاصله اطلاعاتی، انتخاب و بازتاب.
- زبان آموزان به میزان فراوانی با یکدیگر در تعامل هستند. غالباً به شکل‌های دو یا چند نفره این اتفاق صورت می‌گیرد.
- به احساسات زبان آموزان توجه می‌شود به این شکل که زبان آموز با برقراری ارتباط

انگیزه بیشتری برای یادگیری زبان دوم پیدا می‌کند؛ زیرا احساس می‌کند که در حال یادگیری کاربردی مفید از زبان است.

• شکل‌های گوناگون نقش‌های زبان به زبان آموز در بستر ارتباط، آموزش داده می‌شود؛ یعنی بر نقش زبان بیش از صورت آن تاکید می‌شود.

• در ابتدا شکل‌های ساده و به‌مرور بعد از توانایی بیشتر زبان آموز، اشکال پیچیده‌تری از زبان را در قالب ارتباط یاد می‌گیرد. مثلاً در ابتدا برای یادگیری تشکرکردن از زحمات دیگران واژه‌ها و جملات «ممنون»، «خیلی ممنون»، «متشکرم» را تمرین می‌کند؛ ولی زبان آموزان بعد از مدتی پیشرفت زبانی «اسباب زحمت شد» «ببخشید، خیلی زحمت دادیم» و ... را می‌آموزند.

• زبان آموزان در سطح فراجمله‌ای (نه جمله سازی) و کلامی زبان را تمرین کرده و یکپارچگی متن را می‌آموزند.

• زبان آموزان از ابتدا بر روی هر چهار مهارت زبانی کار می‌کنند؛ درست به همان صورتی که ارتباط شفاهی از طریق مباحثه بین گوینده و شنونده ایجاد می‌شود معنا نیز از تعامل خواننده و نویسنده گرفته می‌شود. خواننده برای فهم مقصود نویسنده می‌کوشد و نویسنده هم با در نظر داشتن نقطه نظر خواننده مطلب می‌نویسد؛ پس معنا منحصرأ در متن وجود ندارد؛ بلکه از طریق مباحثه ذهنی بین خواننده و نویسنده شکل می‌گیرد.

• استفاده منطقی از زبان مادری زبان آموزان مجاز است.

• معلم زبان آموزی علاوه بر دقت در گفتار زبان آموزان، فصاحت آنها را نیز مورد سنجش قرار می‌دهد. زبان آموزی که بیشترین کنترل را بر روی ساختارها دارد، همیشه بهترین برقرار کننده ارتباط زبانی نیست. (ممکن است کسی ساختار «من به مدرسه می‌روم» را خوب بداند، اما شخص دیگر این ساختار را بلد نباشد؛ اما در هنگام ارتباط با دیگران «می‌رم مدرسه» را بگوید که شیوه غالب ارتباط است). معلم به طور غیر رسمی زبان آموزان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ او برای زبان آموز از نقش واقعی ارتباط استفاده می‌کند مثلاً برای ارزیابی واژگانی مانند دلتنگی و ابراز احساسات تقاضای نوشتن یک نامه به برادر می‌کند یا زمینه یک گفتگوی تلفنی بین او و برادرش را بازسازی می‌کند.

• علاوه بر توانش زبانی، توانش ارتباطی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. دانستن اشکال زبان و معانی آنها تنها قسمتی از توانش ارتباط است؛ بُعد دیگر از توانش ارتباطی، آگاهی در مورد نقش‌هایی است که زبان برای ارائه آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. اشکال گوناگونی می‌تواند برای انجام یک نقش انجام گیرد و یک ساختار نیز می‌تواند برای

ارائه نقشهای گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. او برای توانمندی ارتباط و استفاده از این دانش به موقعیت اجتماعی نیز باید توجه کند. (از باب مثال با بازی نقشهای مختلف، زبان آموز می‌داند که واژه «چطوری» در زمان ارتباط با یک دوست صمیمی مناسب و برای ارتباط با مدیر مدرسه و بزرگترها نامناسب است).

• زبان آموز باید بتواند با توجه به موقعیت خود و دیگران بهترین شکل دستوری، معنا و نقش را انتخاب کند. هدف، قادر ساختن زبان آموزان به ایجاد ارتباط با زبان مقصد با استفاده از شکل‌های دستوری، معانی و نقش است (لارسن، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۲۲).

• روش‌های محتوا محور، کار محور و مشارکتی از روش‌های نوینی هستند که همه با رویکرد ارتباط ارائه شده‌اند و در همه آنها توانایی برقراری ارتباط، محور اصلی است. باید دقت داشت که در روش‌هایی که با رویکرد ارتباط محور اجرا می‌شوند، مواد ارتباط باید از مواد اصیل و به روز انتخاب شوند. مثلاً ممکن است که روش آموزش یک محتوای نوشتاری، ارتباطی باشد؛ اما مواد آموزشی از مطالب اصیل و به روز نباشند که در این صورت آموزشی صد در صد ارتباطی شکل نگرفته است؛ زیرا ارتباط واقعی زمانی شکل می‌گیرد که هم روش‌ها با رویکرد ارتباط باشند و هم محتوا بر اساس مطالب اصیل و طبیعی انتخاب شود و لازمه آن استفاده از محتواهای نو، با بیان و ادبیات روز است نه قدیمی.

رویکرد ارتباط در روش آموزشی کتاب چهارم مرکز آموزش زبان المهدی

با توجه به اصول گفته شده در روش‌های ارتباطی و همچنین شیوه تدریس کتاب، مشخص می‌شود که کتاب چهارم مرکز آموزش زبان از نظر روش آموزش، با اصول و روش‌های ارتباطی همخوانی ندارد؛ زیرا:

- شیوه آموزش آنها از جزء به کل است. معلم، مطالب را کلمه به کلمه می‌خواند و توضیح می‌دهد.
- به یادگیری و حفظ واژگان و ساختهای دستوری توجه ویژه‌ای شده و قالب محتوایی خالی از هرگونه فعالیت ارتباطی است؛ یعنی محتوای آنها در قالب ارتباط آموزش داده نمی‌شود و تقریباً معلم نقش اصلی کلاس را ایفا می‌کند و قدرت مطلقه کلاس است. زبان آموزان در بیشتر ساعت کلاس کتبی، نقش یک شنونده خوب را ایفا می‌کنند و ارتباط خاصی بین خود زبان آموزان و همچنین از طرف شاگرد با استاد دیده نمی‌شود.
- زبان آموزان مطالب را در قالب نقش‌های گوناگون و در بستر ارتباط یاد نمی‌گیرند.

آنچه زبان آموز یاد می‌گیرد ترجمه برخی از کلمات و فهم عمومی یک متن رسمی با توضیح معلم است. نتیجه عینی آن نیز توانایی جمله سازی با واژه‌های جدید است و چه بسا زبان آموز در ترکیب جملات نوشتاری (نه واژگان و جمله سازی) نتواند به درستی از آنان استفاده کند.

• موارد مذکور از اصول روش‌های ارتباطی است که در روش تدریس کتاب چهارم دیده نمی‌شود.

• رویکرد ساختار محور (روش دستور ترجمه)

• تا قبل از پیدایش روش‌های نوین، روش‌های آموزش زبان با رویکرد ساختار محور ارائه می‌شد؛ یعنی آموزش دستور در آنها نقش پررنگی داشت. با نگاهی گذرا به شیوه آموزشی کتاب چهارم، وجود رویکرد ساختاری و روش دستور ترجمه در آن خود را نمایان می‌کند که یکی از قدیمی‌ترین روش‌های آموزش زبان است. این روش، اولین بار در تدریس زبان‌های کلاسیک لاتین و یونانی مورد استفاده قرار گرفت و لذا روش کلاسیک نامیده می‌شد (لارسن، ۱۳۸۴: ۱۰). شروع استفاده از این روش از قرن نوزدهم بوده و پایه گذار آن دانشمند آلمانی به نام کارل پلوئتز روش شناس بانفوذ زمان خود بوده است (ضیا حسینی، ۱۳۸۵: ۶۳). موارد زیر از اصول شناخته شده این روش است:

• معلم قدرت مطلقه کلاس است و زبان آموزان آنچه را استاد می‌گوید انجام می‌دهند. ارتباطات در کلاس از سوی معلم شکل می‌گیرد و ارتباط زبان آموزان بسیار کم است.

• دستور زبان به صورت استنتاجی آموزش داده می‌شود. مثلاً از زبان آموزان خواسته می‌شود که قواعد دستور را همراه چند مثال به حافظه بسپارند و انتظار می‌رود که در موارد مشابه استفاده کنند. زبان آموزان الگوهای دستوری از قبیل صرف فعل را نیز یاد می‌گیرند.

• زبان خواندن بر زبان صحبت کردن برتری دارد و هدف بنیادی زبان خارجی کسب توانایی خواندن ادبیاتی است که با آن زبان نوشته شده است.

• در نظر معلمان، کسب توانایی در خواندن ادبیات مکتوب زبان مقصد از اهداف بنیادی یادگیری زبان بیگانه است و لذا زبان آموزان نیازمند یادگیری قواعد دستوری و واژگان زبان مقصد هستند.

• زبان رسمی بر زبان گفتاری ارجحیت دارد.

• واژگان و دستور زبان مورد تاکید قرار می‌گیرند. خواندن و نوشتن مهارت‌های اولیه‌ای هستند که زبان آموزان کسب می‌کنند. آموختن و حفظ واژگان از مهمترین فعالیت‌های زبان آموزان است؛ آنها با حفظ واژگان و دستور باید متنی را بفهمند. (لارسن، ۱۳۸۵)

(۱۶-۱۲).

همانطور که در روش تدریس کتاب چهارم ذکر شد میزان قدرت معلم در کلاس، خواندن متن و توضیح جزء به جزء مطالب توسط معلم و نه در قالب نقش‌های واقعی و ارتباط، جمله سازی با واژه‌های جدید و همچنین ارائه مطالب به شکل ترجمه واژگان و ارائه بخش دستوری مجزا، از مطالبی است که با اصول دستور ترجمه که در بالا ذکر شد مطابقت دارد.

محتوای کتاب کار این سطح نیز از - نوشتن متضاد و مترادفها، هم خانواده‌ها، استفاده از قواعد دستوری در جمله‌های مختلف، پر کردن جای خالی لغات، حفظ کردن واژگان و استفاده از کلمات در جمله - تشکیل شده که بیشتر این تمرین‌ها از فنون روش دستور ترجمه هستند. در مقاله‌ای که صحرایی (۱۳۹۴: ۱۳۵) به بررسی میزان درصدی استفاده از روش‌های آموزشی در همه سطح‌ها و ساعات آموزشی مدرسه المهدی پرداخته است بیشترین درصد استفاده به دستور ترجمه و شنیداری گفتاری اختصاص داده شده است. تجربه تدریس و اطلاع از محتوای کلاس‌های شفاهی، مشخص می‌کند که روش دستور ترجمه بیشتر در تدریس متن و روش شنیداری گفتاری در محتوای غیر کتبی مانند گفتگو استفاده داشته است.

در آموزش این کتاب از میان مهارت‌های چهارگانه زبان (به معنایی که گذشت) گفتن و نوشتن و شنیدن در حاشیه قرار گرفته و مهارت خواندن نیز که نوعی درک مطلب دیداری است از آنجا که به شیوه ارتباطی انجام نمی‌گیرد و استاد قدرت مطلقه کلاس است بهره کمی دارد. زبان آموزان بعد از توضیح استاد هر کدام یک واژه را قرائت می‌کنند، واژه‌ای که استاد توضیحش را قبلاً داده است و این شیوه غالباً کمک خاصی به غیر از قرائت که از زیر مجموعه‌های مهارت خواندن است نمی‌کند. محتوای تمرین‌های کتاب نیز که ذکر شد عمدتاً به سمت پیشرفت در مهارت خواندن جهت دهی شده‌اند.

رویکرد، روش و اهداف نگارندگان کتابهای سطح پیشرفته المهدی در ابتدای کتابها نگاشته نشده است. چه بسا اهداف نویسندگان بیشتر آشنایی زبان آموزان با متون ادبی و اخلاقی عمومی یا تخصصی و دریافت پیامهای تربیتی آنها است. یعنی اهداف اصلی آنها چیزی جدای از کسب مهارت‌های چهارگانه باشد و

آموزش هر کدام از این مهارت‌ها به عنوان پلی برای رسیدن به اهداف دیگر مانند انتقال فرهنگ و تربیت غیر مستقیم افراد و غیره باشد.

مواد یادگیری می‌توانند فعالیتهای یادگیری را آموزنده‌تر، جالب‌تر و مرتبط با یادگیرندگان کنند (آقازاده: ۱۳۹۰). اگر مربی فقط به کتابی اکتفا کند که مرتبط با یادگیرندگان نیست ممکن است آنها علاقه‌شان را از دست بدهند (همان). استاد در ضمن مطالبی که زبان آموز به آنها علاقه دارد می‌تواند زبان را بهتر آموزش دهد. نگاه اولیه به این کتاب این است که محتوای آن با هدف آموزش مطالب تربیتی و نکات اخلاقی جذاب و برگرفته از زندگی و کلام اهل بیت علیهم السلام نگاشته شده است و اگر چه این آموزش به وسیله زبان مقصد انجام می‌گیرد اما بهره کمی از تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی دارد و تقریباً نصف وقتی که برای آموزش زبان آموز در این دوره اختصاص داده شده است در عمل به نتیجه‌ای غیر از آموزش زبان ختم می‌شود؛ با این چند نکته به نظر می‌رسد در این کتاب رویکرد آموزش مهارت‌های زبانی به صورت غالب دیده نمی‌شود.

ممکن است کاستی‌های آموزش مهارت‌های زبانی، در دو ساعت دیگر کلاسهای المهدی که کلاس شفاهی نام دارد (انشاء نویسی، املا نویسی، گفتگو، آزمایشگاه) جبران شود؛ اما از آنجا که غالباً برای آن کلاس‌ها نیز محتوای خاصی تعریف نشده و تجربه استاد و حضور زبان آموز در محیط است که برخی از کمبودها را جبران می‌کند، کاستی عدم محتوا و همچنین عدم استفاده از روش‌های ارتباطی در اغلب آنها نیز مشهود است.

نتیجه گیری

کتاب چهارم مرکز آموزش زبان المصطفی، از سری کتاب‌های قدیمی آموزش زبان فارسی است که تجربه‌ای بیش از یک دهه دارد. غالب نکات اخلاقی و داستانی آن از متونی است که در امور اخلاقی، تربیتی و همچنین آشنایی با بخشی از فرهنگ ایرانی اسلامی قابل استفاده است. جدای از این که رویکرد تربیتی و اخلاقی این کتاب به خاطر ارتباط با منابع وحی و حکایات آموزنده بسیار قابل استفاده هستند، در تقویت مهارت‌های زبانی و همخوانی روش‌های تدریس آن با رویکردهای نوین، به بازمینی جدید نیاز دارد. قطعاً اگر محتوای

این کتاب با رویکردهای ارتباطی و در قالب روش‌های نوین آموزش داده شوند تأثیری دوچندان خواهند داشت و به همان اندازه که زبان آموزان را در آشنایی با مطالب اخلاقی و تربیتی پیشرفت می‌دهند، در تقویت مهارت‌های چهارگانه زبان نیز پیشرفت داده و نتیجه بهتری به دست خواهند آورد. محتوای فعلی این کتاب و روش‌های ارائه آنها براساس اولین روش‌های آموزشی با رویکرد دستوری مانند روش دستور ترجمه است که زبان ادبی و رسمی بر زبان تکلم ارجحیت دارد. توانایی برقراری ارتباط به زبان مقصد هدف محسوب نمی‌شود و به مهارت‌های گفتاری و شنیداری توجه بسیار اندکی شده است. چیزی که بیشترین فاصله با هدف آموزش زبان در زمان فعلی دارد.

منابع

۱. ابراهیمیان، سیده زهرا، (۱۳۹۵)، تحلیل روش آموزش زبان فارسی در جامعه المصطفی (ص) العالمیه، چاپ اول، قم، نشر المصطفی.
۲. آقا زاده محرم، (۱۳۹۰)، تکنولوژی آموزشی، چاپ اول، تهران، آبیژ.
۳. حبیبی، رقیه و وکیلی فرد، امیر رضا، (۱۳۹۷)، مبانی تدوین متن آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان با تأکید بر رویکرد تکلیف محور، چاپ اول، تهران، نشر فرهیختگان.
۴. حسن مرادی، نرگس، (۱۳۹۵)، تحلیل محتوای کتاب درسی، چاپ چهارم، تهران، آبیژ.
۵. خنیفر، حسین، (۱۳۸۵)، روش‌ها و فنون تدریس، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب.
۶. علیزاده، معصومه رضا، (۱۳۹۵)، روش‌های کارآمد آموزش دستور زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، چاپ دوم، قم، المصطفی (ص).
۷. ضیاء حسینی، محمد، (۱۳۸۵)، اصول و نظریه‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، چاپ اول، تهران، سخن.
۸. لارسن، فریمن، دایان، مارتی اندرسون (۱۳۸۵)، اصول و فنون آموزش، مترجم: منصور فهیم و مستانه حقانی، چاپ پنجم، تهران، رهنما.
۹. ناعمی، علی محمد، (۱۳۸۵)، روانشناسی آموزشی مهارت‌های ارتباط زبان، چاپ اول مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۰. صحرایی، مراد رضا، (۱۳۹۴)، «آموزش بان فارسی به خارجی‌ان در مدرسه المهدی قم یک الگوی بومی و کارآمد»، مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی، شماره ۲۹، صص ۱۰۷-۱۴۲.